پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب به دبیر کل حزب الله لبنان

خبر

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی درگذشت همشیره حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان را تسلیت گفتند. متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سیدحسن نصرالله دام اعزازه

درگذشت همشیره مکرّمه را به جنابعالی و دیگر بازماندگان ایشان تسلیت می‌گویم و رحمت و غفران الهی را برای وی مسألت می‌نمایم.

والسلام علیکم و رحمت‌الله

سیّدعلی خامنه‌ای

۲۱ خرداد ۱۳۹۸

میدان انقلاب یا پایداری علیه دولت!

درنگ

انتقاد به عملکرد سوگیرانه و جناحی صدا و سیما بویژه در برنامه های خبری و تحلیلی حرف تازه ای نیست. اگر عقلا و نخبگان سالها از سر دلسوزی نسبت به تأثیر مخرب این رویه بر اعتماد عمومی و انداختن مخاطب به دامان شبکه های خارجی و ماهواره ای ابراز نگرانی می کردند حالا آب از سر حس نگرانی شان گذشته است. زیرا دیگر مسئله حاکم بودن یک جناح و فقدان حضور جناح دیگر در قاب این رسانه نیست. مسئله لانه گزینی نمایندگان تندروترین گرایش های سیاسی در زهدان پر مخاطب ترین شبکه های سیمای ملی است که کارزار خود را همزمان در دو جبهه پیش می برد؛ تخریب امید و تبلیغ ناکارآمدی.

حالا چهره های نزدیک به جریان های تندرویی همچون «پایداری» همه جایگاه های ممکن را از مدیر و مجری تا میهمان و تحلیلگر به خود اختصاص داده اند و اگر پیشتر در گوشه و کنار یک شبکه تقریبا کم مخاطب به نام افق به چوب زدن پنبه دولت اعتدال گرا مشغول بودند حالا با کوچ به شبکه های پر مخاطبی همچون شبکه سه و پنج تمنیات خود را پیگیری می کنند. مصداق این رویه که با مدیریت یافتن علی فروغی در شبکه سوم سیما آغاز شد و بعد با کوچ بدفرجام جواد رمضان‌نژاد از مدیریت شبکه افق، به مدیریت شبکه پنج ادامه یافت این روزها در «میدان انقلاب» با اجرای وحید یامین پور در شبکه سه بروز پیدا کرده است. یامین پور که در مخالفت سرسختانه با هرگونه تصمیم برآمده از گفتمان های اصلاح و اعتدال ید طولایی دارد و پیش از این برنامه «جهان آرا» در شبکه افق محمل نقدهای تند و تیز و یک سویه اش علیه سیاست های دولت و بویژه مذاکرات برجام بود، حالا در میدان انقلاب با میزبانی از چهره هایی همچون ابوالقاسم طالبی کارگردان فیلم قلاده‌های طلا، محمدحسین صفارهرندی، احمد رهدار، علیرضا پناهیان، سید احمد عبودتیان و محمدجواد لاریجانی نشان داده است که میدان انقلاب برای او دایره ای محدود است که بسیاری از نخبگان کشور به جرم تعلق به جریان های سیاسی مورد انتقاد او به آن راهی ندارند. اگر چه از میان مهمانان این برنامه تعداد قابل توجهی به جبهه پایداری نزدیک اند اما مسئله تنها این عدم تنوع نیست. میدان انقلاب یامین پور وقتی نگران کننده می شود که او سعی می کند منویات خود را به عنوان حقیقت متقن به خورد مخاطب بدهد. نظیر آنجا که با وجود انکار فرمانده سپاه بر ادعای ارسال سلاح به یمن و فلسطین اصرار کرد و ابایی از آن نداشت که مدعایش خوراک بیشتری برای دستگاه تبلیغاتی غرب و بطور ویژه تیم «ب» علیه ایران فراهم کند. یامین پور در برنامه ای دیگر با حضور طالبی خواستار محدودسازی روشنفکران شد و میزبانی برنامه اش از جواد لاریجانی به آنجا رسید که برجام «کج راهه» و سیاست خارجی دولت «عقل مفتضح» و فریب خوردن از اروپا و دولت اوباما توصیف شود، در فراموشی این حقیقت که برجام تصمیم نظام بود. گذاشتن بار ضررهای ناشی از عهدشکنی برخی طرف های برجام بر دوش دولت در راستای متهم کردن آن به ناکارآمدی در حالی است که در جبهه ای دیگر همین جریان لانه گزیده با اقدامات لجوجانه ای همچون به تعطیلی کشاندن برنامه های پر مخاطب همچون «نود» و «حالا خورشید» در شبکه سه و نیز با قصور منتهی به جنجال هتاکی یک مداح علیه اعتقادات هموطنان اهل سنت در شبکه پنج تخریب امید را پیگیری کرد. بر این اساس تقویت حضور تندروها در رسانه ای که باید عصای دست نظام و دولت در آرام کردن فضای جامعه، ایجاد وحدت و امید باشد اتفاق نگران کننده ای است که برای اصلاح آن تنها باید به تدبیر بزرگان امیدوار بود.

استقبال از پایان تعامل!

ذره بین

انتظار برای همراهی برخی رسانه‌های داخلی با سیاست خارجی رسمی کشور و دستگاه مسئول آن، گویی انتظار بیهوده‌ای است. آخرین نمونه این ناهمراهی، در جریان سفر وزیر خارجه آلمان به تهران رقم خورد. هایکو ماس در نشست خبری مشترک با همتای ایرانی، ادبیات دور از انتظاری را بر زبان آورد که نشان داد استراتژی ایران در کاهش گام به گام تعهدات برجامی خود، تا چه اندازه بر واقعیت مبتنی است. البته این اظهارات، با پاسخ صریح، مستدل، بی‌تعارف و درعین حال قاطع محمد جواد ظریف رو به رو شد. اما اینکه یک روزنامه، نماینده رسمی سیاست خارجی دولت آلمان را با مقام‌های آلمان نازی قیاس کند، نسبتی با اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ندارد، چه بسا برخلاف پاسخ‌های از سر قدرت وزیر خارجه کشورمان، می‌تواند به معنای خالی بودن دستان مدعی از استدلال تلقی شود. وگرنه چه حاجتی است که به نماینده یک دولت، با هر کارنامه‌ای، این چنین توهین کنیم؟ از سوی دیگر، وزیر خارجه آلمان، میهمان جمهوری اسلامی و رایزنی با او بخشی از استراتژی جمهوری اسلامی در زمینه استقبال از تلاش‌ها برای کاهش تنش‌ها است. اما تشبیه نام وزیر خارجه آلمان یعنی «ماس» با «ماست» و انتخاب این تیتر که «از ماس که برماست» بیش از هرچیز نه مقام میهمان، که سیاست و رویکرد دولت میزبان را زیر سؤال می‌برد. زیرا نه امروز و نه هیچ زمان دیگری، کسی انتظار ندارد از زبان وزیر خارجه آلمان یا وزیر خارجه هر کشور دیگری، سیاست‌ها و منویات دولتمردان کشورمان بر زبان جاری شود. ضمن اینکه سیاست خارجی دولت، مستقل از سیاست خارجی نظام نیست. مسأله این است که جمهوری اسلامی در همه ادوار، از رویکردهای عادلانه، معتدل و متوازن استقبال کرده است و اگر مقامی حامل این رویکرد نباشد، قطعاً پاسخ خود را دریافت می‌کند، همچنانکه هایکو ماس پاسخ خود را از ظریف شنید. در شرایط فعلی، همچنان که استراتژی ترسیم شده از سوی شورای عالی امنیت ملی در زمینه برجام نشان می‌دهد، سیاست ایران دفعی و ناظر بر بستن همه روزنه‌ها نیست. همچنان که مردم نیز انتظار دارند همه روزنه‌ها، همه امکان‌ها و همه راه‌ها در سیاست خارجی آزموده شود. اما اینکه برخی رسانه‌ها همچون رسانه منتسب به یک نهاد دانشگاهی، از بی‌نتیجه بودن این سفر ذوق زده می‌شود و آن را گامی دیگر برای پایان برجام تلقی می‌کند، درست مشابه همان رفتاری است که برخی از ابتدا نسبت به برجام در پیش گرفتند تا آن را زمینگیر کنند. امروز هم بعید به نظر می‌رسد تلاش‌های این قبیل رسانه‌ها بتواند دستکم امید مردم به بهبود وضعیت موجود را نشانه بگیرد، هرچند برخی پس از خروج هایکو ماس از تهران، خود را به ضیافت پایان تعامل در سیاست خارجی میهمان کردند.

۳۶ سال پس از سفر وزیر خارجه ژاپن به تهران، پسرش در کسوت نخست وزیر به ایران می آید

دیپلماسی پدر و پسر

گروه سیاسی/ « صلح و ثبات خاورمیانه، برای ژاپن، امریکا و جامعه جهانی بسیار مهم است»، شاید این بخش از سخنان شینزو آبه، نخست وزیر ژاپن که پیشتر در تبیین نگاه دولتش به عرصه سیاست خارجی بر زبان آورده، وجه مهمی از اهداف سفر امروز او به تهران را پدیدار کند. سفری که به گفته علی ربیعی سخنگوی دولت، طی آن نخست وزیر ژاپن با رهبر معظم انقلاب و رئیس جمهوری کشورمان دیدار و گفت‌وگو می‌کند.

آبه بلندپایه ترین مقام اجرایی توکیو است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به تهران سفر می‌کند. سفر دونالد ترامپ رئیس جمهوری امریکا به ژاپن چند روز قبل از سفر آبه به تهران و تایید سفر نخست وزیر ژاپن به ایران بعد از آن دیدار، گمانه‌زنی‌ها پیرامون این سفر را تحت الشعاع تلاش توکیو برای کاهش تنش‌ها بین تهران- واشنگتن قرار داده است.

بخصوص که ژاپن همزمان که متحد نزدیک به امریکاست از روابط حسنه ای هم با ایران برخوردار است. بیراه نبود که ترامپ در نشست خبری مشترک با آبه و با اشاره به سفر او به ایران گفت:« من می‌دانم نخست وزیر ژاپن رابطه خوبی با ایران دارد و باید دید چه اتفاقی رخ می‌دهد.» او در همین برنامه بدون اینکه اشاره ای به شرط و شروط گذشته دولتش برای گفت‌وگو با ایران کند، از آمادگی مذاکره با تهران سخن گفت. سخنی که با اعلام وزیر خارجه‌اش مبنی بر آمادگی گفت‌وگو بدون پیش شرط تقویت شد.

■ ناکامی آبه پدر در ماموریت خود به ایران

همه اینها زمینه‌ساز این تحلیل در رسانه‌ها و محافل سیاسی شد که آبه برای کاهش تنش میان ایران و امریکا عزم خود را جزم کرده است. اتفاقی که البته در کارنامه دستگاه دیپلماسی ژاپن سابقه دارد. سال ۱۳۶۲ «شینتارو آبه» وزیر خارجه وقت به ایران برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق تلاش کرد که البته چندان نتیجه بخش نبود.

آبه پدر برای خاتمه جنگ با مسافرت به منطقه در سال ۱۳۶۶ طرح معروف خویش را دایر بر جداسازی آتش جنگ از خلیج فارس اعلام کرد که با استقبال ایران و عدم تمایل عراق رو به رو شد. این کشور همچنین ۱۰ میلیون دلار از بودجه مالی سالانه خود را در اختیار ناظران نظامی سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۸۸ تشکیل شده بود، قرار داد تا بر آتش بس میان ایران و عراق نظارت کنند.

بنابر این در کنار این تجربه ناکام، شاید اگر ماجرای فرش قرمزی که آبه پیش از سفر به تهران برای دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا پهن کرد و کوشید سفر سه روزه او را به توکیو برایش ماندگار کند، مطرح نبود، ابعاد تحلیل ناظران بین‌المللی درباره اهداف پیدا و پنهان از نخستین سفر مقام بلندپایه ژاپنی به تهران این چنین گسترده نمی‌شد.

آنچه امروز نخست وزیر ژاپن به تهران را به رویدادی متفاوت در تقویم سیاست خارجی تبدیل می‌کند، تحولات ویژه پیرامون برجام و تنش میان ایران و امریکاست. دو گزاره‌ای که بیش از هر زمان دیگر مناسبات تجاری تهران و توکیو را در معرض خطر قرار داده و از سوی دیگر نزدیک‌ترین متحد آسیایی دولت امریکا را از بحرانی‌تر شدن جدال دیپلماتیک تهران و واشنگتن نگران کرده است.

■ گوشه چشم توکیو به نقش آفرینی منطقه ای

جدی تر شدن نشانه‌های این تنش، باعث شده ژاپن که در دوره پس از جنگ سرد به ویژه در آسیا حضور کم رنگی در طرح‌های سیاسی و نظامی داشته و عمده تمرکز خود را بر ابعاد اقتصادی روابطش قرار داده است، این بار ترجیح دهد از نیرو و جایگاه خود برای تقویت مناسبات با تهران و کاستن از تنش‌های فزاینده آن بویژه با امریکا بهره ببرد. وجه دیگر این ضرورت شاید آن باشد که حفظ، توسعه و نشان دادن عمق نفوذ توکیو در عرصه مناسبات آسیایی و بین‌المللی ارزشی همپای منافع اقتصادی برای توکیو داشته باشد.

از این رو به نظر می‌رسد آبه در نخستین سفر خود به تهران فارغ از آنکه با توصیه چه کسانی انجام می‌شود، در کنار تقویت مراودات اقتصادی با تهران، گوشه چشمی هم به نقش‌آفرینی سیاسی و دیپلماتیک در منطقه به عنوان یک کشور بزرگ آسیایی داشته باشد که کاهش تنش‌ها در خاورمیانه را دنبال می‌کند.

آنچه روشن است رابطه این کشور که دومین قدرت اقتصادی جهان پس از امریکا به شمار می‌آید با ایران اغلب از فروش کالاهای ساخته شده و خرید نفت و مواد اولیه فراتر نرفته و متناسب با ظرفیت‌های موجود ایران نبوده است. ژاپن در جریان مناسبات خارجی خود به دنبال امنیتی فراگیر است و در عمل پایه‌های روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی‌اش را بر تحقق منافع اقتصادی‌اش بنا کرده است بنابراین اهمیت رابطه این کشور با ایران را باید در میزان نفعی دانست که از قبال رابطه با آن به دست می‌آورد. بنابراین مبالغه نیست اگر گفته شود عامل اقتصادی و معاملات نفتی، محور مهمی در همه فراز و نشیب‌های سیاست خارجی این کشور بوده است. نفتی که حیات اقتصاد ژاپن به آن وابسته است و هرگونه فرازو نشیبی در روند آرام و بهای آن لرزه بر اندام اقتصاد این کشور می‌اندازد.

اما رؤیای ترامپ برای توقف کامل صادرات طلای سیاه از ایران، ایده بن‌بست اجرای برجام و آرزوی زمستان سخت برای تهران آن چیزی نبود که ژاپن از متحد دیرینه خود انتظار داشته باشد.

این چنین بود که وقتی تصمیم امریکا به بازگرداندن نظام تحریم‌های هسته‌ای و پیگیری سیاست فشار همه جانبه، ایران را در کانون تنش با این کشور نشاند، دسترسی سیستم مالی و اقتصادی ژاپن به یک بازار بزرگ و پر رونق، در معرض خطر قرار گرفت تا به این ترتیب واشنگتن محل بروز دیپلماسی هدفمند و مقتصدانه توکیو با هدف قرار گرفتن در فهرست معافیت‌های نفتی امریکا قرار گیرد.

چنان که پیداست این رایزنی‌ها پس از همه اما و اگرها به سرانجام نرسید و مقام‌های ژاپن پس از سفر دو هفته پیش ترامپ به توکیو که با استقبال کم سابقه آبه از او و همراه بود، کوشیدند گره از کلاف پیچیده تحریم‌های نفتی ایران بگشایند یا دست کم با چراغ سبز رئیس جمهور امریکا برای سفر تاریخی به تهران برنامه ریزی کنند. چنانکه روزنامه امریکایی واشنگتن پست دیروز مدعی شد که خرید دوباره نفت ایران، تعلیق تحریم صنایع خودروسازی ایران و آزاد کردن بخشی از پول‌های بلوکه‌شده ایران در امریکا از جمله پیشنهادهایی است که نخست وزیر ژاپن از طرف کاخ سفید با خود به ایران آورده است.

■ ژاپن نیازمند نفت

با این همه ابعاد سفر مهم نخست وزیر ژاپن به تهران را نباید به تلاش برای کاهش تنش میان ایران و امریکا تقلیل داد. بنمایه استدلال حامیان این دیدگاه که سفر مقام بلندپایه ژاپن به ایران را ورای تلاش برای حل اختلاف میان دو کشور بررسی می‌کنند، بر دو موضوع قرار دارد؛ نخست آنکه ژاپن با شدت گرفتن تنش میان ایران و امریکا که در گام نخست منافع اقتصادی این کشور را تحت تأثیر قرار داده است به دنبال رایزنی با تهران برای ترغیب آن به ادامه اجرای تعهدات برجامی‌اش و در نتیجه پدیدار شدن شرایطی هستند که به موجب آن جریان آزاد صادرات نفت از ایران به سوی ژاپن برقرار بماند و بازار مصرف آن نیز همچنان در دسترس شرکت‌های ژاپنی باشد.

اما این مقصود ممکن نمی شود مگر با کاهش تنش‌های منطقه‌ای که به موجب سیاست خاورمیانه ای امریکا شدت گرفته است. چه ژاپن اینک به عنوان یکی از نیازمندترین کشورهای صنعتی جهان می‌کوشد با ابتکار عمل و ایجاد پیوندهای راهبردی با بازیگران مهم منطقه خاورمیانه از جمله جمهوری اسلامی مانع از قربانی شدن منافع اقتصادی اش زیر فشار رقابت‌های پیدا و پنهان بازیگران بزرگ غرب شود. در همین چارچوب به نظر می‌رسد آبه اگر حامل پیام‌هایی از سوی کاخ سفید برای ایران باشد، حتماً انتقال دهنده نقطه نظرات صریح تهران به واشنگتن و بخصوص یادآوری بدعهدی امریکایی‌ها با خروج از برجام و فشارهای تحمیل شده به مردم ایران هم خواهد بود.

از سوی دیگر برخی ناظران وجه ناپیدای سفر نخست وزیر ژاپن به تهران را در احیای نظم نوینی در منطقه می‌دانند که ژاپن را از سیطره نفوذ سنتی همپیمان غربی‌اش یعنی امریکا به بیرون می‌کشد واز منظر سیاسی به بازیگر اصلی در آسیای بزرگ تبدیل می‌کند. رسانه امریکایی نیویورک تایمز در مقاله ای که به قلم کویچی ناکانو، تحلیلگر سیاسی ژاپن نگاشته شده است، تاکید دارد که شینزو آبه در ابتدای قدرت گیری‌اش معتقد بود ژاپن باید از حالت دفاعی بعد از جنگ جهانی دوم بیرون آمده و اصل نداشتن نیروی مسلح را لغو کند. او اکنون در حال عملی کردن وعده‌هایش است و گام به گام به ایده ژاپن مقتدر نزدیک‌تر می‌شود.»

■ دستاوردهای سفر به تهران برای حزب لیبرال دموکرات

نکته دیگری را که در همین راستا نباید از نظر دور داشت، منافع این سفر به لحاظ رقابت‌های داخلی ژاپن است. آبه به عنوان رهبر حزب حاکم لیبرال دموکرات تلاش دارد از ناحیه سیاست‌ورزی خود اندوخته‌ای قابل تأمل هم برای انتخابات پیش رو در این کشور برای حزب خود فراهم آورد. موفقیت او در سفر به تهران بدون تردید جایگاه او و حزبش را مستحکم‌تر خواهد کرد. به هر روی اگرچه نمی‌توان رویکرد سیاسی و اقتصادی ایران و ژاپن در قبال یکدیگر را فارغ از سایه سنگین سیاست ضد ایرانی واشنگتن مورد توجه قرار داد اما انتظار می‌رود «شینزو آبه» در اهداف غایی خود از سفر به تهران، ورود مؤثر به حل تنش‌های منطقه ای با در نظر داشتن مفروض پیش گفته، ترمیم رابطه دوجانبه و ترسیم مناسباتی فراتر از صادرات نفت ایران به ژاپن و خرید کالاهای ساخته شده ژاپنی از سوی جمهوری اسلامی را در نظر داشته باشد.

آرشیو ایرنا

کنفرانس خبری شینتارو آبه در تهران، ۱۵ مرداد ۶۲

خانواده سیاسی آقای «آبه»

برش

سیاستمدار کهنه‌کار و ۶۵ ساله ژاپن متولد شده در یک خانواده کاملاً سیاسی است. «شینزو آبه» سال ۲۰۰۶ که با کسب اکثریت آرا در دو مجلس نمایندگان و مشاوران به ریاست کابینه رسید، عنوان جوان‌ترین نخست وزیر ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم در ۵۶ سالگی را از آن خود کرد. اگر چه بخت با او یار نبود و در سال ۲۰۰۷ در پی رسوایی مالی چند نفر از اعضای کابینه و ناکامی حزب لیبرال دموکرات در انتخابات مجلس استعفا داد. فرزند «شینتارو آبه» وزیر خارجه اسبق ژاپن اما از سیاست کنار نکشید و اتفاقاً تلاش کرد تا چهره متفاوتی از خود بروز دهد. ماجرای دختر خانواده «یوکوتا» که بازتاب بسیار وسیعی در ژاپن داشت، به سکوی پرتاب آبه تبدیل شد. زوج سالخورده خانواده یوکوتا مدعی شدند که دختر ۱۳ ساله‌شان توسط مأموران کره شمالی ربوده شده است. به گزارش بی بی سی، اگر چه نهادهای سیاسی و دیپلماتیک وقت ژاپن این ادعا را داستان‌سرایی یک زوج سالخورده متحمل اندوه و مصیبت دانستند، اما یک سیاستمدار بلندپرواز داستان خانواده یوکوتا را جدی گرفت و آن را به یک سوژه سیاسی مهم بدل کرد.

آبه با اعمال فشار به «جونیچیرو کویزومی» نخست وزیر وقت کشور، او را مجبور کرد به پیونگ یانگ برود. دیدار کویزومی و کیم جونگ ایل رهبر کره شمالی زمینه ساز بازگرداندن ۵ شهروند ربوده شده ژاپنی شد. اگر چه از دختر ۱۳ ساله خانواده یوکوتا خبری نشد اما موقعیت سیاسی شینزو آبه به خاطر دفاع او از موضوع افراد ربوده شده بشدت تقویت شد و او برای دور دوم در سال ۲۰۱۲ به مقام نخست وزیری ژاپن رسید؛ مقامی که در کنار رهبری حزب لیبرال دموکرات تاکنون استمرار یافته است. به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، «یوکو کیشی» مادر شینزو آبه، دختر «نوبوسوکه کیشی» نخست وزیر ژاپن از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ بود. نوبوسوکه از اعضای گروه توجو، یک گروه ضد کمونیست در دوره جنگ جهانی دوم بود و به همین دلیل مدتی زندانی شد. او بعد از آزادی از زندان، حزب دموکراتیک را تأسیس کرد. در سال ۱۹۵۵، حزب لیبرال به رهبری «شیگرو یوشیدا» با حزب دموکراتیک به رهبری کیشی ادغام شد و آنها یک حزب ضد چپ با عنوان IDP (لیبرال دموکرات) را تأسیس کردند. «هیرونوبو آبه» برادر بزرگ‌تر شینزو، عضو هیأت رئیسه و مدیرعامل شرکت بزرگ میتسوبیشی بود. «نوبوکیشی» برادر کوچک‌تر آبه نیز معاون وزیر خارجه ژاپن است. آبه در سال ۱۹۷۷ از دانشگاه سیکی توکیو در رشته علوم سیاسی فارغ‌التحصیل شد و بعد از آن در دانشگاه کالیفرنیای جنوبی در ایالات متحده، دکترای سیاستگذاری عمومی گرفت. شینزو در سال ۱۹۸۷ با «اکی ماتسوزاکی» از یک خانواده ثروتمند ژاپنی ازدواج کرد. پدر همسرش رئیس بزرگ‌ترین شرکت شکلات‌سازی ژاپن به نام موریناگا بود.

در طول این سال‌ها اگر چه برخی منتقدان چپ در ژاپن نسبت به سیاست‌های دولت آبه و به خاطر آنچه به مخاطره انداختن رویکرد صلح طلبانه ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم می‌خوانند، اظهار نگرانی کرده‌اند، اما اختلافات باقی مانده میان توکیو با پکن و پیونگ یانگ، سیاست‌های آبه را که متمایل به اقتدار ژاپن و توأم با نوعی ناسیونالیسم بوده توجیه کرده و رضایت افکار عمومی این کشور را به دنبال داشته است. از جمله رویکردهای محل بحث آبه که همواره اختلاف نظرهای زیادی را به دنبال داشته و منتقدان آن را در راستای سیاست‌های ناسیونالیستی او قلمداد می‌کنند، بازدید آبه از معبد «یاسوکونی» است. معبدی که محل دفن جان باختگان در راه امپراطوری ژاپن است. همچنین سربازان و پرستاران ژاپنی که در جنگ جهانی دوم کشته شده یا در پایان جنگ دست به خودکشی زده‌اند. با این حال آنچه محل مناقشه است، دفن ۱۴ نفر از مقامات ژاپنی بعد از جنگ جهانی دوم و تسلیم این کشور است که به عنوان جنایتکار جنگی محاکمه و اعدام شده‌اند. گفته می‌شود عموی آبه هم جزو همین دسته آخر است که در این معبد مدفون است. بازدید آبه در سال ۲۰۱۳ از این معبد خشم چین و کره جنوبی را به دنبال آورد. همچنان که بازدید او در سال ۲۰۱۶ به همراه وزیر دفاع خود از یاسوکونی چنین واکنشی را در پی داشت. روزنامه نیویورک تایمز اخیراً میان همین سیاست‌های ملی‌گرایانه نخست وزیر ژاپن و رئیس جمهوری امریکا تشابهاتی را برجسته کرده و از جمله نوشته که «آبه مانند ترامپ از قدرت ملی و ناسیونالیستی حمایت می‌کند.» به نوشته این روزنامه، نخست وزیر ژاپن قبل از اینکه ترامپ در عرصه سیاست ظاهر شود، در سال ۲۰۱۲ شعار «بیایید ژاپن را مجدداً پس بگیریم» را پیش روی خود قرار داد و آن را مطرح کرد. بر اساس تحلیل ناکانو نویسنده این مطلب، «شینزو آبه در ابتدای قدرت‌گیری‌اش معتقد بود که ژاپن باید از حالت دفاعی بعد از جنگ جهانی دوم بیرون آمده و اصل نداشتن نیروی مسلح را لغو کند. او اکنون در حال عملی کردن وعده‌هایش است و گام به گام به ایده ژاپن مقتدر نزدیک‌تر می‌شود.» به هر روی آبه در دوران طولانی نخست وزیری خود ژاپن را به کشوری پیشرفته و یک قطب صنعتی تبدل کرده است. توکیو امروز از متحدان نزدیک امریکاست. آبه در حالی امروز به تهران سفر می‌کند که پیش از این به همراه پدر خود در سال ۱۳۶۲ (۱۹۸۳) یکبار دیگر به ایران آمده است. پدر او «شینتارا آبه» وزیر خارجه وقت ژاپن در سفر به ایران گویا قصد میانجیگری بین ایران و عراق را داشت که البته ناکام ماند. حالا برخی رسانه‌ها مدعی شده‌اند که آبه برای میانجیگری بین واشنگتن- تهران به ایران سفر می‌کند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سفر آبه به ایران نخستین سفر یک نخست وزیر ژاپنی به تهران است. پیش از او «تاکئو فوکودا» در سال ۱۹۷۸ به ایران سفر کرده بود.

رقابت داغ اصلاح طلبان و اصولگرایان برای ریاست کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

تلاش امیدی‌ها برای منصرف کردن کواکبیان از نامزدی

گروه سیاسی/ در فاصله ۵ روز به برگزاری انتخابات هیأت رئیسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، به نظر می‌رسد فراکسیون امید نگرانی‌ها را بابت نتیجه نهایی این انتخابات حس کرده است. در حال حاضر با اصرار مصطفی کواکبیان، نماینده اصلاح‌طلب مجلس به نامزدی برای ریاست این کمیسیون از یک سو احتمال حذف حشمت الله فلاحت پیشه و از سوی دیگر احتمال رسیدن کرسی ریاست به مجتبی ذوالنوری، نماینده نزدیک به جبهه پایداری شدت گرفته است. در این شرایط قاسم میرزایی نیکو، عضو هیأت رئیسه فراکسیون امید در گفت‌وگو با «ایران» از تلاش‌هایی در این مجموعه برای منصرف کردن کواکبیان از نامزدی خبر داده است.

مصطفی کواکبیان با توجه به وعده کتبی که از اعضای فراکسیون امید در انتخابات سال گذشته دارد، بر نامزدی برای ریاست کمیسیون امنیت ملی مجلس در سال آخر اصرار می‌کند. سال گذشته امیدی‌ها با هدف گرفتن ریاست کمیسیون امنیت ملی از علاءالدین بروجردی، نماینده نزدیک به جبهه پایداری از کواکبیان خواستند تا اجازه دهد تنها حشمت‌الله فلاحت پیشه در صحنه رقابت باقی بماند و آرای منتقدان بروجردی تقسیم نشود. در همان موعد بود که کواکبیان از امیدی‌ها برای حمایت از او در انتخابات سال جاری وعده کتبی گرفته بود. هم اکنون اما با بالا گرفتن احتمال سازش میان ذوالنوری و بروجردی به نفع نماینده قم، خطر افتادن ریاست کمیسیون به دست مخالفان دولت جدی تر شده است.

در این شرایط است که میرزایی نیکو به «ایران» گفته است: «در فراکسیون امید اکثر نظرها بر این اساس است که ورود آقای کواکبیان به این رقابت می‌تواند نتیجه عکس داشته باشد و این علاوه بر از دست دادن ریاست کمیسیون باعث افزایش انتقادات به اصلاح‌طلبان مجلس خواهد شد.» در همین حال فلاحت پیشه نیز به «ایران» گفته است که همچنان امکان دارد در صورت عدم حمایت فراکسیونی از او در این انتخابات نامزد نشود. او ضمن گلایه از فراکسیون‌های سیاسی و خصوصاً امید و مستقلین می‌گوید: «ای کاش عزیزان کارنامه همین یک سال کمیسیون را با تمام ادوار گذشته پس از انقلاب مقایسه می‌کردند آیا هیچ گاه مانند این یک سال، کمیسیون امنیت ملی تا این اندازه در مسائل ملی دارای نقش مستقل بوده یا نه.» در طرف مقابل هم مجتبی ذوالنوری به خانه ملت گفته است: «اگر از بین فلاحت‌پیشه و کواکبیان یک نفر کاندیدای ریاست کمیسیون شود با بروجردی تفاهم می‌کنم تا هر کدام که رأی بیشتری دارد کاندیدای ریاست شود.»

این در حالی است که بروجردی نیز در گفت‌وگو با «ایران» مذاکره بین خود و ذوالنوری برای ماندن یک نفر در صحنه رقابت را تأیید کرده و این می‌تواند نشان از آن باشد که اصولگرایان سیگنالی مبنی بر کنار آمدن کواکبیان و فلاحت پیشه با یکدیگر دریافت کرده‌اند.

در این شرایط البته فلاحت پیشه به «ایران» گفته است که احساس می‌کند طیف مستقلین هم تا اینجا حمایتی را که انتظار داشته از او برای ریاست کمیسیون امنیت ملی انجام نداده‌اند. او از ایفای «نقش خنثی» این گروه که خود را نزدیک به آنها می‌بیند، گلایه‌مند است.